

دفاع مقدس؛ کنش - واکنش‌های جمعی و ارتقای پایدار همبستگی اجتماعی

* هادی اولاد

** محمدحسن الهی‌منش

*** رضایریزاد

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی کنش دشمنان در قالب جنگ تحمیلی و واکنش عناصر درونی اجتماع با رویکرد اندیشه سیاسی تشیع، دفاع مقدس را شکل داد. همگرایی یا واگرایی اجتماعی متأثر از شرایط به وجود آمده، موضوعی است که به آن توجه عمیقی صورت نگرفته است. بحرانی مانند جنگ تحمیلی، کنش - واکنش‌های جمعی را نسبت به همبستگی اجتماعی دچار تحول بنیادینی نمود. بنابراین مسئله تحقیق حاضر آن است که دفاع مقدس چگونه بر همبستگی اجتماعی تأثیر داشته است؟ این پژوهش با شیوه توصیفی - تحلیلی درصدد بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار و ریشه‌های فکری تقویت مفهوم همبستگی اجتماعی در شرایط جنگ تحمیلی برآمده است. بدین‌خاطر با شکل‌گیری هویت، وفاداری و تقسیم کار اجتماعی، دفاع مقدس ارزش‌ها و کنش‌های مشترک اجتماعی را تقویت نموده و با ارتقاء انگیزه‌های دینی و مذهبی، روح عصبيت ملی و یاری‌گری همگانی، مشی مشترک و وفاق دسته جمعی سبب تقویت همبستگی اجتماعی گردید.

واژگان کلیدی

دفاع مقدس، همبستگی اجتماعی، وفاق جمعی، پایداری.

*. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

hadioulad060@vatanmail.ir

** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

elahimanehm@yahoo.com

r_parizad@yahoo.com

*** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

طرح مسئله

همبستگی اجتماعی مفهومی متأثر از شرایط و پدیده‌های متفاوت است. ارزش‌های اجتماعی، کنش‌های مشترک، عصبیت ملی، روح یاری‌گری، مشی مشترک و وفاق جمعی مؤلفه‌ها و عناصری هستند که در بررسی همبستگی اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند. بررسی این مفهوم از منظر اندیشمندان کارکردگرا، ساختارگرا، یا اندیشمندان اسلامی مدلی را ارائه می‌نماید که به اهمیت ثبات، همبستگی و انسجام ملی تأکید دارد. همبستگی اجتماعی نوعی نیروی جمعی است که سبب حمیت و احساس وابستگی به یکدیگر می‌شود. این احساس اجتماعی به واسطه پیوند مشترک زبانی، سرزمینی، عقیدتی، مذهبی، تاریخی و ... ایجاد می‌گردد.

از منظر دیگر جنگ به معنای اعم، یکی از واقعیات جدایی‌ناپذیر حیات سیاسی اجتماعی در دوران معاصر بوده و خصوصاً جوامع تازه شکل گرفته از لحاظ ساختار سیاسی، به منظور حفظ حیات، موجودیت، ارزش‌ها، هنجارها و ساختار درونی نیاز به دفاع در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل دارند. یکی از مهمترین پیامدهای جنگ، ابعاد اجتماعی و غیر نظامی آن است. جنگ نقش مهمی در تحولات اجتماعی، کاهش فاصله بین نخبگانی، همبستگی اجتماعی، استقلال‌گرایی، حفظ تمامیت ارضی، تمرکز قدرت سیاسی، ملی‌گرایی، مشارکت‌پذیری مردم، حفظ باورهای مذهبی و سنتی و ... دارد.

میان جنگ و همبستگی اجتماعی رابطه ویژه‌ای وجود دارد. جنگ از خاص‌ترین رخدادهای اجتماعی بشری است که حیات اجتماعی بشر را متحول نموده است. مفهوم جنگ می‌تواند سبب تقویت، یا تضعیف همبستگی در اجتماع شود. «جنگ می‌تواند انسان‌های یک جامعه را به یکدیگر نزدیک کند یا آنها را از هم دور سازد، می‌تواند انسجام یک جامعه را تقویت کند یا سبب انهدام آن شود». (عزیزی، ۱۳۹۱: ۹۸) در شرایط بحرانی که جامعه درگیر جنگ می‌گردد، عناصر جامعه نقش‌ها و کنش‌های متفاوتی به خود می‌گیرند و در این میان، رهبر یک جامعه دینی با عنایت به جایگاه ویژه‌ای که در آن قرار دارد، می‌تواند در هدایت جامعه، پیرامون نقش و وظایف جمعی موثر باشد، همچنین ارزش‌ها و کنش‌های جمعی را نیز تقویت نماید.

همان‌گونه که جنگ می‌تواند عوامل هویت‌زا را تهدید نماید، همبستگی اجتماعی را نیز می‌تواند به سمت تضعیف و یا تقویت سوق دهد. با این برداشت، جنگ تحمیلی نقض تمام عیار هویت ملی ایرانیان (ایرانیت) بود، از این منظر که اهداف رژیم بعث در تجاوز به تمامیت ارضی (حمله به خرمشهر و تغییر نام آن به محمره، ادعاهای پان عربیسم، نقض توافقات بین‌المللی پیرامون حدود مرزی و ...) کاملاً بر تهدید هویت ملی ایرانیان هدف‌گذاری گردید. هجمه به نظام سیاسی تازه تاسیس پس از انقلاب

منطبق با تهدید عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی محسوب می‌گردید. (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۴: ۱۱۲)

عصبیت ملی با تهدید مرزهای جغرافیایی مورد اشاره قرار گرفته و احساس تعلق ملی به انقلاب براساس فعالیت‌ها و سیر ثمردهی آن خیزش ملی را در لزوم توجه به تهدیدات معطوف به آن متمرکز ساخت. تشکیل بسیج عمومی با تعریف فراگیر آن را می‌توان ذیل این موضوع تفسیر نمود. امام خمینی نیز ضمن هدف گذاری همبستگی اجتماعی، هویت ملی و دینی را در گرو دفاع مقدس طرح نمود. «جنگ جنگ است و عزت و شرف و دین و میهن ما در گرو همین مبارزات است».

(امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۴۳/۲)

تشکیل یک نظم جدید در قالب نهاد جدید، بدنه اجتماع را نسبت به وطن دوستی، وحدت ملی، همبستگی اجتماعی و استقلال ملی حساس می‌نماید. در چنین جامعه‌ای با وجود گرایش‌های قوی مذهبی پس از یک انقلاب ایدئولوژیک، حفظ مرزهای جغرافیایی توجیهی دینی می‌یابد که همه عناصر اجتماع را با روابطی متقابل به یکدیگر پیوند می‌دهد. بنابراین دفاع مقدس بر مبنای مشترک و وفاق دسته جمعی در جامعه ایران پس از انقلاب تأثیر گذاشت.

۱. مفهوم‌شناسی

یک. مدل مفهومی همبستگی اجتماعی

الف) چشم‌انداز همبستگی اجتماعی

همبستگی اجتماعی را می‌توان به مثابه علتی در جهت شکل‌گیری نظم اجتماعی در نظر گرفت و مقوله‌ای است که جامعه‌شناسانی چون آگوست کنت،^۱ امیل دورکیم،^۲ مونتسکیو،^۳ ژان ژاک روسو،^۴ ابن خلدون و دیگران پیرامون آن اندیشیده‌اند. اسلام نیز قرن‌ها قبل از ایشان، به این موضوع نظر داشته است. همبستگی اجتماعی (social solidarity) نوعی احساس درونی در بدنه اجتماع است که به واسطه تحولات درونی و بیرونی شکل گرفته و ارتباط دولت - ملت را تقویت می‌نماید. همبستگی اجتماعی احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به‌طور کلی و حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنهاست. (بیرو، ۱۳۹۰: ۴۰۰) گولد^۵ همبستگی اجتماعی را کششی می‌داند که یک گروه بین

1. Auguste Comte.
2. Emile Durkheim.
3. Montesquieu
4. Jean - Jacques Rousseau.
5. Gould Julius.

اعضای خود می‌یابد و احساسات درونی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (همان) همچنین ژان ژاک روسو با طرح نظریه قرارداد اجتماعی، بنیاد پیوستگی و همبستگی اجتماعی را در قرارداد نانوشت‌های می‌داند که اعضای جامعه بایکدیگر دارند. (حسامی، ۱۳۹۰: ۳۰) از منظر پاتریک دورین^۱ «تعلق و پیوستگی افراد در قبال هنجارها، ارزش‌ها، قواعد مشترک، فرهنگ و روش زندگی جمعی را می‌توان همبستگی تلقی کرد». (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۱۱۱)

ابن خلدون دانشمند اسلامی، نیز همبستگی اجتماعی را مبتنی بر عصبیت قومی می‌داند و معتقد است که جوهره حیات جمعی را پدیده تعلق اجتماعی و روح یاریگری به یکدیگر تشکیل می‌دهد که این روح یاریگری و عصبیت، همان ایجاد همبستگی اجتماعی است.

همبستگی اجتماعی از موضوعات اساسی و کاربردی در جامعه‌شناسی محسوب می‌گردد و عناصری دارد که بدون حضور و فعالیت اعضای اجتماع معنا و مفهوم نمی‌یابد. اعضای که با یکدیگر در ارتباط و کنش متقابل اند. «وحدت (unity)، وفاق (agreement) و وفاداری (suppok) که ناشی از علائق، احساسات و همدلی و کنش‌های مشترک است، از لوازم همبستگی اجتماعی به شمار می‌رود». (مریجی و چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹: ۶۴) همبستگی اجتماعی به نوع عملکرد و رفتار مرتبط افراد وابسته است و ارتباط عناصر اجتماعی با یکدیگر به شکل متقابل و مبتنی بر نیازمندی ایشان به هم است. اجتماع افراد، هم پیوندی میان آنها را پدیدآورده و این افراد نسبت به یکدیگر وابستگی متقابل می‌یابند.

ب) تعاریف اصطلاحی همبستگی اجتماعی

همبستگی مبتنی بر توافقی است که عناصر اجتماع، ارزش‌ها و هنجارهای آن را بر مبنای تعلقات درونی پذیرفته‌اند. و سطح انسجام درونی نسبت به ایدئولوژیک بودن مؤلفه‌های آن افزایش می‌یابد. همچنین یکی از مؤلفه‌های تشکیل دهنده نظم در جامعه قلمداد می‌گردد.

ارتباط میان همبستگی اجتماعی با نظم اجتماعی بسیار وثیق است. جامعه با شکل‌گیری نظم موجود نسبت به موقعیت‌های مختلف از خود واکنش‌های متفاوت نشان می‌دهد. نظم، ایجاد کننده وفاق و همبستگی است.

همبستگی یا وفاق اجتماعی با توجه به نظم اجتماعی شکل می‌گیرد. هرگاه نظم اجتماعی، بیرونی یا نظم سیاسی باشد، وفاق اجتماعی شکل گرفته در این نوع نظم اجتماعی، غیرطبیعی و مصنوعی است و هرگاه نظم اجتماعی، درونی باشد، نظم اجتماعی وفاقی یا طبیعی شکل می‌گیرد. (حیدری، ۱۳۹۰: ۹۹)

1. Patric Durin.

دیدگاه‌ها و تعاریف متفاوتی که در خصوص همبستگی اجتماعی وجود دارد، به مؤلفه‌ها و معیارهای متعددی پیرامون این مقوله اشاره دارد. کارکردگرایان به نقش دین و زبان، وجدان جمعی، تقسیم کار، انسجام هنجاری، احساسات، تعاملات و فعالیت‌های گروهی، گستردگی نقش فرد در گروه و اجتماع، از خودگذشتگی، همنوایی و ... اشاره دارند و ساختارگرایان به مفاهیمی چون دسترسی پذیری، تأثیر و مدت عضویت، عوامل و ساختارهای کنترل‌کننده، دلبستگی، کنش‌های جمعی، شکل‌گیری رابطه اجتماعی، وفاداری‌ها و برخی دیگر نیز به عواملی چون مذهب، نهادهای مدنی، فلسفه و تاریخ مشترک اشاره می‌نمایند. (حاجیان، ۱۳۹۰: ۱۱۸ - ۱۱۰)

از میان این دیدگاه‌ها، نظر دورکیم در میان کارکردگرایان بیشتر مورد توجه قرار دارد. دورکیم همبستگی را براساس جوامع سنتی و صنعتی به دو دسته تقسیم می‌نماید که در جوامع سنتی «همبستگی مکانیکی» وجود دارد؛ یعنی این نوع از همبستگی زمانی وجود دارد که اعتقادات و احساسات مشترک بین تمامی اعضای گروه‌ها حاکم باشد لذا هرچه اعتقادات و احساسات مشترک شدیدتر و قوی‌تر باشد، همبستگی مکانیکی نیز استوارتر خواهد بود. همبستگی‌ای را که نتیجه تعلقات احساسی مشترک باشد، مکانیکی می‌دانیم. از جانب دیگر هرچه جوامع به سوی پیچیدگی و تقسیم کار می‌رود، همبستگی به شکل «ارگانیکی» پیش می‌رود. در این حالت وابستگی متقابل این نوع از همبستگی را ایجاد می‌نماید. جوامع ارگانیکی یا پیشرفته صنعتی نشان‌دهنده درجات بالایی از استقلال در میان افراد و واحدهای جمعی است و قراردادهای قانونی، هنجارهای این روابط داخلی را تنظیم می‌کند. در این جامعه وجدان جمعی ضعیف می‌شود و زمینه را برای قضایای ارزشی این دنیایی و کلی در جهت مبادلات قراردادهای و هنجارها که وابستگی‌های واحدهای اجتماعی تخصصی به یکدیگر را تنظیم خواهد کرد. (بیرو، ۱۳۹۰: ۳۷۸)

- در کالبدشکافی عناصر مربوط به همبستگی اجتماعی (همبستگی ملی)، مؤلفه‌هایی نقش حیاتی دارند:
۱. درک جمعی مشترک: اعضای یک گروه، اجتماع یا جامعه از ارزش‌ها، باورها، نیازها، اقتضائات، شرایط و حتی تهدیدات باور و درک یکسانی دارند.
 ۲. اقناع هویتی: فرد نسبت به باورها و مؤلفه‌های حاکم بر جمع نوعی هویت متناسب با آن می‌یابد که در تعاملات بین کنشگران به اقناع نقش و هویت اعطایی جامعه می‌رسد.
 ۳. شبکه ارتباطی: هر شخص نسبت به افراد و گروه در یک شبکه ارتباطی قرار می‌گیرد که شاخص‌ها و روابط درونی را بر مبنای آن سطح بندی و بازتعریف می‌نماید.
 ۴. نمادسازی ارزشی: همبستگی درونی با ارزش‌ها و آئین‌های مشترک پیوند عمیق جمعی می‌سازد.

۵. **اعتماد و مشارکت:** افزایش اعتمادفردی، گروهی ساختاری، رسمی و غیررسمی بر مشارکت به طور مستقیم تأثیر می‌گذارد و مقوم وفاق جمعی محسوب می‌گردد.

ج) تعریف برگزیده همبستگی اجتماعی

همبستگی اجتماعی حس تعلق و پیوندهای عاطفی، احساسی و عواطف تعمیم یافته فرد در گروه است که در آن افراد همبسته به شدت نسبت به نهادهای مشترک تعلق خاطر و وفاداری داشته و از خود رفتارهای نوع دوستانه و ایثارگرانه بروز می‌دهند و نسبت به ارزش‌ها، نمادها و ایدئولوژی‌ها اتفاق نظر دارند. (حاجیان، ۱۳۹۰: ۱۱۷ - ۱۱۳)

به عبارت دیگر برداشتی از همبستگی که «توافقی جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی است که در میدان تعامل اجتماعی به وجود می‌آید، یا به عبارتی همبستگی ملی عبارت است از احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع ملی». (شیرودی، ۱۳۸۴: ۶۵)

د) تعریف عملیاتی همبستگی اجتماعی

در تعریف عملیاتی از همبستگی اجتماعی افراد در پیوندها و مفاهیم مشترک اتفاق نظر دارند و در فعالیت‌های نمادین از الگوی نسبتاً مشابهی بهره می‌گیرند. در این میان نسبت به کنشگران و اعضای گروه احساسات مشترکی داشته که مسئولیت و تعلق خاطر ایجاد می‌نماید. این اشتراکات از برداشت و تلقی اعضا از ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و نمادها منشعب می‌گردد، لذا رفتارهای دگرخواهانه و ایثارگرانه بروز می‌دهند.

ویژگی‌هایی چون: تسلط رفتاری گروه بر فرد؛ همکاری و تعاون؛ منش جمعی مشترک؛ عصبیت ملی؛ پیوستگی و تعامل؛ روح یاریگری و ... در برداشت عملیاتی از همبستگی اجتماعی وجود دارد. به‌طور کلی دیدگاه‌هایی که پیرامون همبستگی اجتماعی از جانب صاحب نظران ارائه گردیده است یک چارچوب کلی پیرامون بحث ارائه می‌نماید:

یکم. همبستگی اجتماعی منبعث از ارزش‌ها و کنش‌های مشترک

کنت پیرامون همبستگی به نقش دین و زبان توجه داشته و دورکیم از جامعه‌شناسانی است که بیش از همه «تقسیم کار» و «وجدان جمعی» در نظام اجتماعی را عاملی جهت همبستگی اجتماعی می‌داند که همبستگی مکانیکی براساس احساسات جمعی مشترک و تعاملات آئینی و نیز همبستگی ارگانیکی منبعث از نظام تقسیم کار و وابستگی متقابل پدیدار شده است، از این‌رو تقسیم کار موضوعی فارغ از مباحث اقتصادی است.

پارسونز معتقد است با اصول و ارزش‌های ثابت اجتماعی نوعی همبستگی پدیدار می‌گردد که

می‌توان آن را «انسجام هنجاری» نامید. (حاجیان، ۱۳۹۰: ۱۰۹) او مقوم همبستگی اجتماعی را همخوانی میان باورها و ارزش‌های مشترک یا محیط اجتماعی پیرامون می‌داند. مونتسکیو نیز همبستگی را متأثر از «سازمان اجتماعی» و سازمان اجتماعی را نیز متأثر از اقتصاد، مناسبات اجتماعی، جمعیت، مذهب و اخلاق قلمداد می‌نماید. از نظر او روح ملت‌ها احساس وحدت هر اجتماع است. (حسامی، ۱۳۹۰: ۲۹ - ۳۰) روسو نیز با ارائه «قرارداد اجتماعی»، همبستگی را قراردادی نانوشته می‌پندارد که عناصر اجتماع با یکدیگر دارند. (همان: ۳۲)

دوم. همبستگی اجتماعی براساس عصبیت ملی و روح یاریگری

اصلی‌ترین محور همبستگی اجتماعی در دیدگاه ابن‌خلدون عصبیت ملی است. کارویژه عصبیت و پیوند خویشاوندی در ایجاد همبستگی اجتماعی از منظر ابن‌خلدون چنان بااهمیت است که کارکرد ویژه عصبیت را همبستگی می‌داند. (حیدری، ۱۳۹۰: ۱۰۶) حیات جمعی در این دیدگاه جوهره حیات جمعی و روح یاری‌گیری است. ابن‌خلدون «پیوندهای خویشاوندی» و به نوعی «عصبیت ملی» را مهمترین عامل همبستگی در بدنه اجتماع می‌خواند.

سوم. همبستگی اجتماعی از منظر آموزه‌های دین اسلام

قرآن، محوری‌ترین اصل در همبستگی اجتماعی را «دین اسلام» می‌داند. (انفال / ۶۰) باور دینی پرهیز از عوامل تفرقه‌زا و تشکیل مشی مشترک جمعی، پرهیز از عوامل تفرقه‌زا در برابر دشمنان و ارائه الگوی ثابت وفاق جمعی، مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد همبستگی در اجتماع از منظر دین اسلام است.

۲. دفاع مقدس و تقویت ارزش‌ها و کنش‌های مشترک اجتماعی

فارغ از اختلاف نظری که پیرامون معنای اصطلاحی کنش مبتنی بر حقیقت اراده فعالیت انسان وجود دارد، (آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲) کنش اجتماعی معنادار، ارادی، هدف‌دار و آگاهانه است. کنش در افراد متأثر از مؤلفه‌های درونی و محیط بیرونی است؛ مؤلفه‌هایی که برآمده از باور درونی مانند هویت و موضوعاتی که متأثر از غالب محیط پیرامونی است همچون رهبری، تعامل اجتماعی و تقسیم مسئولیت و کار جمعی. انواع کنش از منظر وبر مبتنی بر الف) کنش عقلانی معطوف به هدف؛ ب) کنش عقلانی معطوف به ارزش؛ ج) کنش عاطفی؛ د) کنش سنتی است. (رستگار خالد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸ - ۲۶) کنش‌های فردی و اجتماعی در شرایط بحران، قالب متفاوتی را در جامعه به نمایش می‌گذارد. جنگ بین ایران و عراق سبب شکل‌گیری حالت خاصی از مفاهیم بنیادینی چون رهبری، اطاعت اجتماعی، هویت، تقسیم کار، همبستگی و ... گردید.

شکل‌گیری هویت و همبستگی اجتماعی

گرایش اجتماع به یک فرد در قالب و معیار خاصی تعریف می‌گردد، بدون شک افراد با داشته‌هایی خاص و دایره توانایی‌هایی متفاوت نسبت به اجتماع پیرامونی خود تأثیرگذار هستند. بُرد شخصیت و کنشی برخی از افراد محدود و برخی دیگر از انسان‌ها توانایی بالاتری در جذب نیروی اجتماع به خود را دارند. «رهبری شاخصه‌ای بی‌بدیل در انقلاب اسلامی از شکل‌گیری و پیروزی تا تثبیت و تداوم آن بوده است». (نصرآبادی و شیرودی، ۱۳۹۷: ۱۳۲)

همبستگی اجتماعی منبعث از باورهای دینی و رخدادهای پیرامونی انقلاب، خصایص ویژه‌ای را در بدنه اجتماع فعال ساخت، بنابراین برمبنای اندیشه سیاسی تشیع نوعی از رهبری معنادار الهی در عرصه اجتماع اجرایی گردید که شعاعی از هدایت آگاهانه و مبتنی بر اراده الهی بود. «ازاین‌رو، عقل‌ورزی، فطرت‌گرایی و خدامحوری برآن حاکم گردید». (کشاوری شگری، ۱۳۹۱: ۷۴) در جامعه‌ای که اصول دینی در نهاد مردم جایگزاری گردد، مؤلفه‌های اجتماع براساس باور ایدئولوژیک بازتعریف شده و هویت دینی غالب می‌گردد. این هویت دینی، در قالب یک کنش، سایر خرده هویت‌هایی چون هویت قومی، هویت زبانی و حتی هویت ایرانی را تحت تأثیر قرار داده و واکنش آن تعریف افراد از خود فارغ از ماهیت‌های قومی، زبانی یا حتی ملی خویش در قالب اسلام و اندیشه سیاسی شیعه خواهد بود.

هویت در ذهن فرد شکل می‌گیرد، اما بستر و نمود بیرونی آن در اجتماع است. اینکه تصور شخصیت شیعی، موثر و نقش‌آفرین در سیستم انقلاب ایدئولوژیک به عناصر اجتماع القا می‌گردید، بازتولید هویت مثبت و مؤثر جمعی را شکل می‌داد. هویت‌بخشی؛ یعنی تعریف نقش تشکیل‌دهندگان جامعه اعم از حقیقی یا حقوقی. بنابراین توجه رهبری دینی به کارگران، تولیدکنندگان، رزمندگان و ... یا پرداختن به نقش مادران و جایگاه ویژه زن، جوانان، پدران و ... بیانگر نوع هویت‌بخشی دینی مثبت در اجتماع است.

نمود کارآیی هویت جدید پس از انقلاب، در عرصه دفاع مقدس با تئوری مبتنی بر ایجاد گفتمان مربوط به مشابهت‌سازی پیرامون جنگ تحمیلی و قیام عاشورا عینیت یافت. هر فرد نقش و موقعیت خود در جنگ تحمیلی را با حوادث عاشورا سنجش می‌نمود، بنابراین نقش‌یابی و هویت‌طلبی ارزشی در اجتماع، عناصر را در ارتباط با هم بخش‌بندی نموده و همبستگی عناصر پیامد مربوط به این اندیشه بود که افراد نسبت به نقش‌های خود کنش‌های متناسب را برمی‌گزینند.

با تعریف هویت‌های جدید در انقلاب اسلامی گفتمان غالب، مسائل ارزشی، اصول اندیشه سیاسی تشیع و باورهای مذهبی گردید. القای هدف متعالی و ارزش‌مدارانه در راستای پاسخ به هویت‌جویی جامعه پس از انقلاب، ارزش‌گذاری در اهداف جامعه را بیش از پیش نمود که در خلال

جنگ تحمیلی این مقوله شدت یافت. امام نیز مفاهیم جامعه را بازتعریف نمود: «فرق است مابین شما و دشمن‌های شما، آنها برای قدرتمندی، برای نمایش قدرت، برای شیطان با اسلام به جنگ برخاسته‌اند و شما برای رضای او (خدا) و برای قوت‌دادن به اسلام و پیاده‌کردن احکام اسلام به دفاع برخاستید». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶ / ۹۱)

عناصر فعال در جنگ احساس تعلق فزاینده‌ای نسب به ساختار جدید دولت - ملت در خود یافته و هر فرد خود را دارای نقش و کارکرد ویژه در سیستم؛ و نوعی ماهیت و هویت حائز کارویژه برای خود می‌پنداشت. ارتباط قاغده هرم جامعه با رأس آن مبتنی بر روابط عاطفی - معنوی ویژه‌ای است که از ارتباط مذهبی آن حکایت دارد. بنابراین کنش و واکنش بین رهبر و هوادارانش به گونه‌ای است که پیروان او با رغبت و انگیزه کامل، اجرای فرامین و دستوراتش را بر خود واجب می‌دانستند. (باقی نصرآبادی و شیروودی، ۱۳۹۷: ۱۳۳)

هدف‌داری شیوه اداره دفاع مقدس توسط امام خمینی به گونه‌ای بود که ایشان علاوه بر ایجاد یک هویت منسجم و اعطای یک همبستگی قوی اجتماعی، آگاهانه نسبت به آینده جهان ارائه برنامه نمود. «دفاع مقدس را نیز با رهنمودها و فرماندهی خویش مدیریت کرد ... حتی یک وجب از خاک خود را از دست نداد... و خود را به عنوان قدرتی که می‌تواند پشتوانه مستضعفان جهان باشد، تثبیت کرد». (ارجینی و عبداللهی، ۱۳۹۴: ۱۵۷)

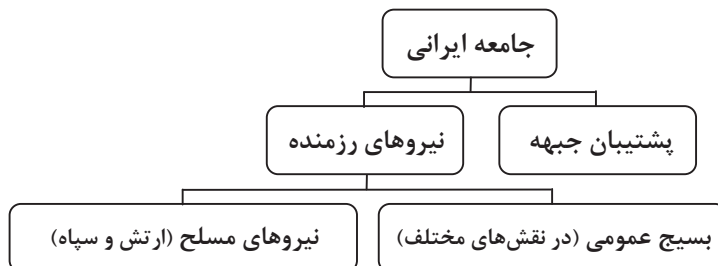
۳. تقسیم کار و ایجاد همبستگی در رهبری امام خمینی علیه‌السلام

امام خمینی در شرایط پس از انقلاب و رخداد جنگ تحمیلی، با بهره‌گیری از اندیشه سیاسی شیعه (کنش عقلانی معطوف به هدف و ارزش) از ذخیره بسیج مردمی استفاده نمود. در جنگ نیز، قلمرو سازمانی نیروهای رزمی را از محدوده نیروهای آموزش دیده نظامی و کلاسیک ارتش و سپاه فراتر برد و تمامی اقشار ملت ایران را به عرصه نبرد فراخواند. (ارجینی و عبداللهی، ۱۳۹۴: ۱۴۲) و همچنین به آحاد ملت هویت رزمنده و یا پشتیبانی‌کننده جبهه بخشید. «هرکس می‌تواند، جبهه برود و هر که نمی‌تواند در پشت جبهه کمک کند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۸۹/۱۹) مردم خود را در قالب و هویت جدیدی یافتند که رزمنده محسوب می‌شدند. زنان و مردانی که توان دفاع نداشتند نیز هویت پشتیبان جنگ را یافتند. تقسیم کار در بعد اول نسبت به بدنه اجتماع صورت گرفت. استدلال دورکیم این‌گونه بود که تقسیم کار به تدریج به‌عنوان پایه اصلی به هم پیوستگی اجتماعی می‌شود و با گسترش تقسیم کار مردم بیش از پیش به یکدیگر وابسته می‌شوند. (گیدنز، ۱۳۸۷: ۷۵۱)

نقش‌های حاضر در دفاع مقدس به واسطه تقسیم کار ماهیت و ماموریت جدیدی ساخته و یافتند.

هرگاه انجمن یا اجتماع (community) به سمت جامعه (society) حرکت نماید، همبستگی اجتماعی تبدیل به همبستگی نهادی می‌گردد، اما اگر در یک اجتماع فارغ از انقلاب نهادها نتوانند متولی نقش‌های خود باشند، مطلوب‌ترین حالت همان همبستگی اجتماعی است.

نمودار ۱: تقسیم کار اجتماعی در دوران دفاع مقدس



تقسیم کار میان مسئولان مبتنی بر جایگاه ویژه آنها اعم از رزمی و پشتیبانی، سیاسی یا اجتماعی، صورت پذیرفت. وزارت امور خارجه نیز به عنوان تنها مرجع رسمی جمهوری اسلامی ایران برای بیان مسائل مربوط به جنگ در مجامع سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی تعیین گردیده و از جانب امام خمینی، به فرماندهان نظامی تذکر داده می‌شود که از اظهارنظر در این زمینه خودداری نمایند. (ارجینی و عبداللهی، ۱۳۹۴: ۱۴۴) (تقسیم کار تخصصی با رعایت اصول و قواعد بین‌المللی در قالب کنش‌های مشترک جمعی).

براین اساس علاوه بر حضور رزمندگان در صحنه دفاع مقدس، مردم نیز وظیفه پشتیبانی از نیروهای مسلح را برعهده داشتند. «بر ملت عزیز رزمنده است که از قوای مسلح پشتیبانی کنند و در همکاری و کمک به آنان از پای ننشینند و آنان را در این فداکاری و عبادت ارزشمند روحیه دهند، که فتح و ظفر ان شاءالله تعالی نزدیک است». (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۴۷۴)

تقسیم کار در ریزترین نقش‌ها با دامنه گسترده‌ای از مسئولیت‌های اجتماعی. «امروز تمام ملت ما، نه فقط جوان‌ها و آنهایی که در جبهه‌ها هستند، بلکه پیرمردها و پیرزن‌ها و دختر و بچه‌های نابالغ در صحنه رفتاری‌ها و در صحنه جنگ حاضرند و همه خود را در جبهه می‌بینند». (همان: ۴۷۰)

پشتیبانی از دفاع مقدس حتی در کمترین توان و مقدار در این قالب شکل می‌گیرد.

حضور نیروهای مردمی و داوطلب در جبهه بدون دریافت حقوق از طرفی و پشتیبانی مردمی با وجود مشکلات معیشتی از جانب دیگر نوعی تعریف مسئولیت مشترک اجتماعی، و بالتبع همبستگی درونی مبتنی بر باور اعتقادی را ایجاد نمود که در مرحله اول منشعب از تعریف و تقسیم کار اجتماعی و سپس اجرای مطلوب نقش‌ها بوده است.

۴. وفاداری و همبستگی اجتماعی در روابط متقابل جمعی

پس از ورود مفاهیم نوی سیاسی اجتماعی به ایران مانند، ناسیونالیسم، مدرنیته، دولت - ملت، تفکیک قوا، قانون، قانون اساسی، همبستگی و همواره تقسیم‌بندی برداشت‌های اجتماع پیرامون موضوعات مختلف بر سر سه راهی اسلامیت، ایرانیت و غرب قرار داشته است، بنابراین کنش متقابل اجتماعی که براساس ارتباط کنشگران با یکدیگر است نیز با این مؤلفه‌ها سنجش می‌گردد.

در بستر کنش متقابل ناهمگون، حکومت پهلوی به‌واسطه مؤلفه‌های استبدادستیزی فقه سیاسی شیعه، بستر ناامن اجتماعی و سابقه تاریخی ملت، پرداختن به ارزش‌های دینی را به مصلحت خود نمی‌دانست، فضای حاکم بر فعالیت‌های جامعه نیز به‌واسطه فشار حداکثری بر احزاب، گروه‌ها، نشریات و ... با فعالیت‌های آزادانه سیاسی و مذهبی بسیار فاصله داشت. بدین‌خاطر مذهبی که در بدنه اجتماع دارای قدرت عظیم و ماهیت عمیقی بود در عرصه حاکمیتی به عنوان تهدید قلمداد می‌گردید. از این منظر، عوامل مؤثر در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و پیروزی در دفاع مقدس را می‌توان برآمده از اراده جمعی دانست. اراده‌ای مبتنی بر: الف) حضور گسترده مردم در انقلاب و اراده مطلقاً جمعی؛ ب) آگاهانه بودن انقلاب؛ ج) نبود تفرقه، مبارزه و چند دستگی میان عناصر مختلف حاضر در انقلاب. (ذوالفقاری و محمدمیرزایی، ۱۳۹۳: ۷۸)

با وجود تعارضات درونی جامعه ایران از لحاظ مختلف در خلال جنگ و انقلاب اسلامی، همبستگی و عدم گسست قابل ملاحظه‌ای در کنش‌های جمعی، مشهود بود که در روابط متقابل جمعی پدیده‌ای شگفت را ایجاد و به تقویت همبستگی ملی می‌افزود. این مقوله در جنگ تحمیلی نیز به وضوح مشاهده گردید. فوکو در جریان بازدید از ایران، به قول خود با تناقضاتی برخورد می‌کند که یکی از آنها عدم گسست بین نیروهای متضاد شرکت‌کننده در انقلاب و حضور اقشار مختلف مردم در آن می‌باشد. (ذوالفقاری و محمد میرزایی، ۱۳۹۳: ۷۰)

در خلال دفاع مقدس حوادث و اتفاقاتی در فضای بین‌الملل و خصوصاً در داخل کشور شکل گرفت که برخی از آنان می‌توانست فضای اجتماعی و درونی جامعه را به طور کل ملتهب و جامعه را دچار بحران جدی نماید. هرکدام از این حوادث به طور مستقیم یا غیر مستقیم می‌توانست در حضور رزمندگان اسلام در جبهه و نوع کنش ایشان، تأثیر منفی بگذارد که امام با درایت، تدبیر و شیوه‌های رهبری خویش، تأثیر منفی و شکننده هریک از این حوادث را خنثی نمود. (ارجینی و عبداللهی، ۱۳۹۴: ۱۴۷) شکل‌گیری برخی از این حوادث در بطن جوامع منظم می‌تواند همبستگی و وفاق جمعی را مختل نماید، ارتباط مبتنی بر اصول ایدئولوژیک و متأثر از گفتمان مذهبی غالب در

اجتماع همچنین بهره‌گیری امام خمینی از فرصت جنگ و تعریف آن به عنوان اولویت اول در اجتماع و ارتباطات اجتماعی سبب گردید از دفاع مقدس جهت حفظ روابط متقابل ارزش محور و همبستگی اجتماعی مبتنی بر کنش متقابل مشترک به نحو بسیار مطلوب بهره‌برداری گردد.

تغییر گفتمان غالب جامعه با به‌کارگیری واژگانی چون ایثار، دفاع، جهاد، رزمندگان، شهادت‌طلبی و ... گویای روابط متقابل جمعی افراد، در بطن جامعه پس از انقلاب و در خلال جنگ است. نهضت عاشورا الگوی جامعه اسلامی مورد نظر امام است و همواره در کلام و بیان خود از آن استفاده می‌نمود، پذیرش فرهنگ جامعه و الگوپذیری از مفهوم عاشورا، سبب ایجاد خوانش یکسان از هدف، انگیزه و الگو شده که همبستگی اجتماعی مناسبی ایجاد می‌نمود. امام خمینی روحیه شهادت‌طلبی منبعث از فرهنگ عاشورایی و حماسه حسینی را رمز پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌یابی فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان در جبهه‌های حق علیه باطل را نیز برگرفته از همین فرهنگ و باور قلبی به امام خود یعنی سالار شهیدان می‌دانند. (زیرکی حیدری و الماسی، ۱۳۹۵: ۱۵۷)

۵. دفاع مقدس و ارتقای عصبیت ملی و روح یاری‌گری همگانی

عصبیت ملی و روح یاری‌گری از منظر ابن خلدون اساس همبستگی اجتماعی است. اعضای یک گروه، قوم یا صاحبان مؤلفه‌های مشترک، زمانی که در یک جمع متمایز قرار می‌گیرند، بر شاخص‌های پیوندساز خویش تأکید بیشتری نموده و بر اساس هنجارهای خود رفتار می‌نمایند. (ملکی، ۱۳۸۶: ۱۳۶)

از منظر ابن خلدون عوامل تقویت‌کننده عصبیت عبارت‌اند از: بادیه‌نشینی و توحش، دین و فزونی عدد. (ابن خلدون، ۱۳۷۹: ۲۴۳) مؤلفه‌هایی چون: زبان، نژاد، قومیت، جغرافیا و سرزمین، ملیت و ... عصبیت سازند. که به فراخور بررسی موضوع دفاع مقدس از منظر مؤلفه‌های زیر حائز بررسی است.

یک. لزوم حفظ مرزهای جغرافیایی: دفاع از مرزهای سرزمینی در اندیشه دینی و غیر دینی موضوعی عقلایی و منطبق بر باور مصلحت افراد و جامعه است که بر محوریت عصبیت سرزمینی و ملی قرار دارد. «عشق به وطن، مهم‌ترین مبین و مظهر وابستگی انسان به وطنش محسوب می‌شود». (میرجلیلی، ۱۳۹۱: ۸) نوعی احساس تعلق مشترک ایجاد همبستگی می‌نماید، تعلقات یکسان در جامعه‌ای با باورهای متفاوت و فضای فکری ناهمسان به ایجاد همبستگی کمک می‌نماید. وطن دوستی و احساسات ملی، اگر در چارچوب مرزهای درست خود باقی بماند و تنها جنبه مثبت و اصلاحی داشته باشد، محرک و زمینه‌ساز و مشوق توسعه‌یافتگی و منشأ و تحولات مثبت در زندگی انسان شده و موجب همبستگی بیشتر و روابط حسنه و احسان و خدمت بیشتر به هموطنان و کسانی

که با آنها زندگی مشترک داریم، می‌گردد. (همان: ۲۸)

تهدید مرزهای سرزمینی ورود به حیطه هویت نویافته ایران پس از انقلاب محسوب گردید و ماهیت جغرافیای سرزمینی که ارتباط مستقیم و مؤثری با این مفهوم می‌یافت. هویت ملی قوام یافته از عناصر مختلفی است: الف) عنصرزبان و ادبیات ...؛ ب) عنصر دین ...؛ ج) فرهنگ و تاریخ مشترک؛ د) عنصرجغرافیا و سرزمین مشترک: وابستگی مکانی هر شخص جزئی از هویت اوست. (نادری و عارفی گوروان، ۱۳۹۶: ۲۹)

حفظ مرزهای سرزمینی در دیدگاه تمام طیف‌های فعال، امری پسندیده و اقدام رژیم بعث تجاوز محسوب گردید. اسلام‌گرایان براساس منابع فقه سیاسی شیعه و تحت عنوان جهاد در راه خدا، مارکسیست‌ها برای حفظ جامعه و ملی‌گرایان به منظور دفاع از خاک، حمله صدام را تعریف می‌نمودند. هرچند تنها گفتمان غالب در صحنه جنگ، اسلام‌گرایان بودند که با انگیزه‌های معنوی در جنگی فرسایشی درگیر و جامعه نیز با همین برداشت به حمایت از ایشان می‌پرداخت. دفاع از سرزمین فصل مشترک برداشت‌های مختلف و گروه‌های فعال محسوب می‌گردد.

علاقه به سرزمین و محدوده جغرافیایی یکی از فصول مشترک میان گفتمان دینی و ملی‌گرایانه است. می‌یر نگاه تکامل‌گرایانه به کارکرد جنگ دارد که نبرد بین گروه‌ها، طوایف، قبایل و ... زمینه ایجاد و تشکیل واحدهای بزرگ‌تر (وحدت و اتحاد) و پیچیده‌تر اجتماعی را ایجاد می‌نماید. این امر موجب می‌شود که جمعیت‌های بیشتری تحت پوشش نظام‌های هنجاری و ارزشی مشترک (زبان مشترک، مذهب مشترک و ...) درآیند. (می‌یر، ۱۳۷۶: ۶۴)

تهدید مرزهای جغرافیایی در قالب جنگ فی‌نفسه می‌تواند عاملی برای تشکیل حکومت، ملت‌های جدید، استقلال ملی و عامل مؤثری در هویت‌یابی باشد، از این رو جنگ پدیده‌ای تک‌وجهی و یگانه نیست، بلکه می‌توان مفهوم آن را سازه دانست؛ زیرا بر مفاهیم بسیاری تأثیرگذار است. تأثیر در حوزه‌های کلان و خرد. جنگ سبب خیزش احساسات، وحشت، تعصب، نفرت، خشونت و ... می‌گردد. این خیزش احساسات می‌تواند پیرامون ملی‌گرایی و تعصب وطنی برای دفاع از سرزمین و مرزهای جغرافیایی شکل گیرد. وطن‌دوستی و احساسات ملی اگر درچارچوب مرزهای درست خود باقی بماند و تنها جنبه مثبت و اصلاحی داشته باشد، محرک و زمینه‌ساز و مشوق توسعه‌یافتگی و منشأ تغییر و تحولات مثبت در زندگی انسان شده و موجب همبستگی بیشتر و روابط حسنه و احسان و خدمت بیشتر به هموطنان و کسانی که با آنها زندگی مشترک داریم می‌گردد. (میرجلیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸)

تجاوز رژیم بعث به حدود مرزهای ایران تعصبات ملی ایرانی را فعال نمود و هر ایرانی که نسبت

به خاک، وطن، تمامیت ارضی و حدود جغرافیایی وابستگی داشت، با هر نوع گرایش سیاسی، اعتقادات مذهبی و دینی و تعلقات اجتماعی، کیان ملی خود را در معرض تهدید یافته و دفاع از سرزمین خود را همان‌گونه که ابن خلدون می‌گوید، ارزش‌مدارانه تلقی نمود. از این‌رو پاسداشت «وَجِبَ بِهِ وَجِبَ مَمْلَكَتُ جُزْءٍ عِنَاصِرِ ذَاتِ اَمْنِیْتِ جُمْهُورِی اِسْلَامِی لِحَاظِ شِدِّ». (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۴: ۱۱۳)

دو. انقلاب اسلامی: ارتباط وثیق دفاع مقدس با شاخص‌های جامعه دینی در ایران به گونه‌ای است که جنگ تحمیلی را می‌توان در قالب متغیر مستقل و تأثیرات آن بر موضوعاتی چون ملی‌خواهی، هویت ملی یا انسجام و همبستگی اجتماعی را مورد بررسی قرارداد. از این منظر ریشه‌های توافق جمعی شکل گرفته در طول سال‌های جنگ را باید در انقلاب اسلامی جست. انقلاب سال ۱۳۵۷ که عمیقاً از گفتمان اسلامی متأثر بود کارکرد نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تغییر داد. برای درک ارزش‌ها و هنجارهایی که شکل‌گیری توافق جمعی را در جامعه ایران باعث شدند، باید به درک درستی از گفتمان مؤثر در انقلاب اسلامی برسیم. با این برداشت، دفاع مقدس حلقه‌ی اتصال میان ملت و حکومت بوده است. در واقع دفاع مقدس نه تنها از نظر فیزیکی انسجام‌بخش ایرانیان از اقوام و مذاهب مختلف در کنار یکدیگر بود، بلکه دفاع از هویت، سرزمین و تمامیت ارضی از منظر فکری و اندیشه‌ای ایجادکننده همگرایی، همبستگی ملی و روح یاری‌گری گردید.

«علم و آگاهی»، «مشورت و تفاهم»، «مهربانی و مدارا»، «صفا و یکرنگی»، «نوع‌دوستی و پیمان‌برداری» از جمله عناصری هستند که همواره موجب تقویت همبستگی اجتماعی می‌شوند. تعبیر دیگری که می‌توان از این مدل از همبستگی ارائه کرد، اصل «وحدت» است؛ چون در دوران دفاع مقدس اقشار مختلف اجتماعی از جمله گروه‌های انقلابی، دسته‌های سیاسی و صنوف مختلف از قالب‌های ادراکی و همچنین رفتار استراتژیک یکسانی برخوردار شدند.

از منظر ترکیب جمعیتی در رزمندگان از قومیت‌ها و مذاهب مختلف بعد از انقلاب اسلامی، دفاع مقدس نیز تجلی همبستگی و تقویت هویت ملی ایرانیان بوده و حتی میزان اعتماد سیاسی مردم به مسئولان در این دوران به نحو شگفت‌انگیزی ارتقاء داشته است. در جنگ تحمیلی، مشارکت همه‌جانبه مردم در دفاع از کشور و نقش‌آفرینی آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی به‌ویژه در دوران هشت ساله جنگ، نشان‌دهنده حمایت آحاد ملت از نظام نوپای جمهوری اسلامی است. به عبارت دیگر «جنگ تحمیلی در زمانی به کشورمان تحمیل شد که ایرانیان پیش از آن حادثه مهم تاریخی خود؛ یعنی انقلاب را درک کرده در پی تثبیت تغییرات ناشی از آن بودند».

(عارفی گوروان، ۱۳۹۷: ۲۰۲)

۶. دفاع مقدس و توسعه مشی مشترک و وفاق دسته‌جمعی

بهره‌گیری از وفاق اجتماعی به منظور نفی تضاد در جامعه نیست، وجود مفاهیمی چون فرد و جامعه، ساخت و کنش، نظم اجتماعی و تغییر اجتماعی و ... بیانگر آن است که تضادهای اجتماعی ریشه در جامعه و مطالعه ابعاد گوناگون آن دارد.

مشی مشترک جمعی در ایجاد وفاق، جایگاه محوری دارد، از این رو «انسجام خط مشی عبارت است از ایجاد هماهنگی درون یا میان خط مشی‌ها به گونه‌ای که برای رسیدن به یک هدف از پیش تعیین شده خط مشی‌ها یکدیگر را به صورت نظام‌مند پشتیبانی کنند و شامل انسجام درونی، سازگاری خط مشی، انسجام افقی، تناسب خط مشی و انسجام عمودی و سلسله‌مراتبی می‌شود. (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۱) دفاع مقدس در قالب یک هدف‌گذاری مشترک اجتماعی، خط‌مشی‌های متفاوت افقی و عمودی را سازگار نمود. باور جمعی و مشارکت سودمند براساس مؤلفه‌های مشترک دینی در ایجاد نوعی احساس همدلی و هویت مشترک نقش دارد. بر همین اساس تهدیدی که از سوی دشمن بر جامعه فارغ از انقلاب ایجاد گردید، این باور یکسان اجتماعی را پدیدار ساخت که دفاع مقدس با حفظ الگوی دینی و بهره‌گیری از نمونه‌های ارزشی تنها مسیر دستیابی به خواسته و نیاز عمیق اجتماعی است.

براساس این الگو و برداشت و گفتمان غالب و همان‌گونه که اسلام از بدو تأسیس بر وفاق جمعی و پرهیز از تفرقه اشاره نموده است، بر اشتراکات با لحاظ آنچه برای دین آسیب‌زا است در حوادث رخ داده در خلال دفاع مقدس، تأکید موکد شده است. «وفاق اجتماعی گرچه موضوعی دیرینه است، با توجه به اهمیت استراتژیک آن، نه تنها اهمیت موضوعی خود را از دست نداده، بلکه با توجه به تحولات جهان معاصر بار دیگر لزوم توجه به آن بیشتر احساس می‌شود». (حیدری ساربان، ۱۳۹۹: ۶۷۸) البته تفاوت نوع همبستگی مبتنی بر اندیشه اسلامی با سایر انواع وفاق یا همبستگی در الفت قلوب نقش دارد، بهره‌گیری از روابط عاطفی به منظور حفظ وفاق جمعی، موضوعی که در ادبیات دفاع مقدس بین رزمندگان و حتی در پیام‌های امام خمینی نیز مشهود است. «همه ملت با هم برادر باشند. مؤمنون اخوه هستند. اگر این اخوت ایمانی در سر تا سر کشور ما محفوظ بماند ...، هیچ‌کس نمی‌تواند به این کشور تعدی کند». (امام خمینی: ۴۳۵/۱۷)

باعنایت به اینکه براساس برداشت جمعی در مواقع خاص و بحران‌های اجتماعی مشی مشترک جمعی و وفاق اجتماعی افزایش می‌یابد، توانایی و حضور موثر در شکل‌دهی کنش‌های جمعی نیز، تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. «وفاق در زمان‌های مختلف، شرایط بحران یا در دوره شکوفایی و

رشد، قابلیت همکاری شهروندان را افزایش می‌دهد که از این طریق در شکل بخشیدن به عملکردهای مثبت ایفای نقش می‌کند». (نقدی و کمربیگی، ۱۳۸۹: ۱۰۱) جنگ تحمیلی با ایجاد موقعیت بالقوه اجتماعی و امنیتی، شرایط بحران را ایجاد نمود که دفاع مقدس واکنش مؤثر اجتماع در برابر آن بود.

با توجه به اینکه دین الهی سبب برداشت جمعی مشترک و ایجاد همبستگی اجتماعی در جامعه ایران می‌شود، محوریت دین و گفتمان غالب مسائل معنوی در خلال جنگ تحمیلی، محوریت واحدی را در مسائل جمعی شکل داد که به اخوت و برادری و همبستگی اجتماعی منتج گردید. آیات و روایات متعددی که پیرامون حفظ همبستگی و وفاق اجتماعی وجود دارد، مؤید نوع الگودهی اسلام به پیروان خود پیرامون این مفهوم است بهره‌گیری از شعارهای وحدت‌بخش، انسجام ملی، گفتمان غالب، محوریت دفاع مقدس و ... نمونه‌هایی از ارائه یک رویکرد ثابت در جنگ تحمیلی برای حفظ ارزش‌هایی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم سبب همبستگی اجتماعی گردیده و تلقی جمعی جامعه محسوب می‌گردد. بنابراین الگوی اسلام، مفاهیم بنیادین جامعه قبل از خود را متحول ساخت، هویت‌های نوینی را تعریف نمود، علایق اجتماع را تئوریزه کرده و زیربنای فکری را به مفاهیم ارزشی وحدت مدارانه تغییر داد، تضاد عینی جای خود را به اشتراکات درونی و بیرونی داده و مشی مشترک جمعی در جامعه درگیر جنگ نهادینه شد.

در مقابل، دین اسلام عواملی را نیز به‌عنوان موضوعات تفرقه‌انگیز میان جامعه مسلمین مطرح می‌نماید: تعدد رهبری (آل عمران / ۱۰۵)، ایجاد و پرداختن به اختلافات درونی (انفال / ۴۶)، اختلاف‌زایی در ایمان و عقاید آحاد جامعه (آل عمران / ۱۰۵)، پیروی از حاکمان جائر، ظالم و مستبد (قصص / ۴) از جمله عوامل برهم زننده وفاق اجتماعی طرح شده است که در الگوی اسلامی پرهیز از آن به شدت تأکید شده است

نتیجه

دفاع مقدس به‌عنوان فصل مهمی از تاریخ نظام حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران شرایط خاصی را در اجتماع پدیدار ساخت که مهم‌ترین مفهوم قابل توجه در این تحول، افزایش همبستگی اجتماعی است. پیرامون همبستگی اجتماعی دیدگاه‌های غالب در سه طیف کلی تقسیم‌بندی می‌گردد:

۱. همبستگی اجتماعی پدیدار شده در دفاع مقدس براساس تقسیم کار و وجدان جمعی با نقش‌های جدید و هویت دینی افراد تقویت شده و با توجه به اینکه هر فرد خود را در دفاع مقدس

حائز جایگاه و موقعیت موثر در شرایط اجتماعی پنداشته و هویت خود را عنصری از یک کلیت با ساختار متمرکز می‌دید، تحت تأثیر اندیشه سیاسی شیعی کنش‌های جمعی هدفمند، آگاهانه و مؤثر ایفا می‌نمود، بنابراین افراد خود را در روابط جمعی در بستر کنش‌های متقابل نسبت به یکدیگر وفادار دانسته و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌نمودند.

۲. عصبیت‌های ملی و روح یاریگری اعضای جامعه را در خلال دفاع مقدس بر مؤلفه‌ها و علقه‌های پیوندسازی چون سرزمین، ملیت، قومیت و ... متمرکز ساخت و به‌عنوان عصبیت‌های ایرانی در برابر تجاوز رژیم بعث، روح یاری‌گری جمعی را فعال نموده و خرده هویت‌های موجود ذیل علقه‌های ملی تجمیع شده و همبستگی اجتماعی را برای دفاع از سرزمین مشترک و خصوصاً انقلاب تازه تحصیل شده، تقویت نمود.

۳. دفاع مقدس با ارائه الگوی مشابهت‌ساز نسبت به وقایع مهم تاریخ اسلام خصوصاً عاشورا، نقش‌ها و کنش‌های جمعی را معطوف به برداشت‌های مبتنی بر آموزه‌های دینی نمود که در شرایط اجتماعی پس از انقلاب تحقق حاکمیت ایده آل مردمی منوط به تعاون و وفاق جمعی گردید. مواجهه دشمنان با انقلاب و تجاوز به حاکمیت مبتنی بر اسلام در جنگ تحمیلی، دفاع مقدس را پدیدار ساخته و اعتقادات قوی دینی، همبستگی فزاینده اجتماعی را در دفاع مقدس پدید آورد. بنابراین از منظر اسلام و آموزه‌های دینی نیز همبستگی اجتماعی در خلال دفاع مقدس تقویت گردید.

منابع و مأخذ

۱. آقاجانی، نصرالله، اصغر اسلامی تنها، منصور محمدی، ۱۳۹۸، «عقلانیت کنش اجتماعی، از منظر حکمت اسلامی در مواجهه با سنت و بری»، *فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال هفتم، ش ۱، تابستان.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمان، ۱۳۷۹، *مقدمه*، ترجمه پروین گنابادی، نشر کتاب، تهران.
۳. ادیبی سده، مهدی، ۱۳۸۱، *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*، تهران، سمت.
۴. ارجینی، حسین و زهرا عبداللهی، ۱۳۹۴، «راهبردهای امام خمینی در دفاع مقدس»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴۲.
۵. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۶. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۹۲، *نقش عموم مردم در پشتیبانی از جنگ*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.

۷. باقی نصرآبادی، علی و مرتضی شیرودی، ۱۳۹۷، «کاوش‌های مقایسه‌ای در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ایران و انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ مصر»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال پانزدهم، ش ۵۴.
۸. بیرو، آلن، ۱۳۹۰، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
۹. حاجیانی، ابراهیم، ۱۳۹۰، «شاخص‌های همبستگی اجتماعی و تأثیر دانشگاه آزاد اسلامی بر آن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ویژه‌نامه ش ۱.
۱۰. حسامی، فاضل، ۱۳۹۰، «همبستگی اجتماعی در قرآن»، *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال دوم، ش ۴، پاییز ۹۰.
۱۱. حسینی، حسین، ۱۳۷۵، «فرهنگ شیعی و کاریزما در انقلاب اسلامی ایران»، *مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش ۱۳۷ و ۱۳۸.
۱۲. حیدری ساریان، وکیل، ۱۳۹۹، «تحلیل عوامل بهبود وفاق اجتماعی روستایی»، *فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونت‌گاه‌های انسانی*، دوره پانزدهم، ش ۳.
۱۳. حیدری، غلامحسین، ۱۳۹۰، «همبستگی اجتماعی در نگاه اسلام»، *فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی*، سال ۴، ش ۱۳.
۱۴. خرمشاد، محمدباقر، علیرضا کلاتری مهرجردی و حسین صولتی، ۱۳۹۷، «گفتمان هویت ملی جریان ناسیونالیسم قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال نهم، ش ۱.
۱۵. ذوالفقاری، ابوالفضل و حسن محمدمیرزایی، ۱۳۹۳، «فوکو انقلاب اسلامی ایران، مدل‌سازی عوامل موثر بر شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران براساس دیدگاه‌های میشل فوکو»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال یازدهم، ش ۳۷.
۱۶. زیرکی حیدری، علی و مصطفی الماسی، ۱۳۹۵، «ریشه‌یابی فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام در منظومه افکار امام خمینی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال سیزدهم، ش ۴۷.
۱۷. شیرودی، مرتضی، ۱۳۸۴، «آثار همبستگی ملی و مشارکت عمومی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی»، *فصلنامه حصون*، ش ۶ زمستان ۱۳۸۰.
۱۸. عارفی گوروان، اسماعیل و عباس کشاورز شکری، ۱۳۹۷، «ویژگی‌های شخصیتی و فعالیت‌های شهید حسن باقری در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال پانزدهم، شماره ۵۲.
۱۹. عزیزی، محمد، ۱۳۹۱، «تحلیل مشارکت اقشار مختلف در دفاع مقدس»، *فصلنامه پژوهش‌نامه دفاع مقدس*، سال اول، ش ۲، تابستان ۹۱.

۲۰. کشاورز شکری، زاهد غفاری و مهدی جمشیدی، ۱۳۹۱، «ماهیت رهبری امام خمینی در نظریه علامه شهید مطهری»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، ش ۲۹.
۲۱. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۷، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات نی، تهران، چ ۲۳.
۲۲. مریجی، شمس‌الله، اسماعیل چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹، «تیین جامعه‌شناختی مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی در جامعه مهدوی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود*، سال چهارم، ش ۱۴.
۲۳. منصورنژاد، محمد، ۱۳۹۴، «بررسی ریشه‌های همگرایی بین اهل کتاب با سایر ایرانیان در دفاع مقدس»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ششم، ش ۲.
۲۴. میرجلیلی، علی محمد، کمال صحرائی اردکانی، حمیده سادات موسویان، ۱۳۹۱، «وطن دوستی از دیدگاه قرآن و روایات»، *فصلنامه علمی پژوهشی کتاب‌قیم*، سال دوم، ش ۵.
۲۵. می‌یر، پیتز، ۱۳۷۶، *جامعه‌شناسی جنگ و ارتش*، مترجم علیرضا ازغندی و محمد صادق مهدوی، تهران، نشر قومس.
۲۶. نادری، مهدی و اسماعیل عارفی گوروان، ۱۳۹۶، «چالش‌های هویتی گفتمان اسلام سیاسی در ایران معاصر»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال چهاردهم، ش ۴۸.
۲۷. ولی‌پور زرومی، سید حسین، ۱۳۸۴، «هویت ملی و دفاع مقدس»، *مطالعات ملی*، ش ۲۳ پاییز ۸۴.

